

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: جمال کنج
برگردان: آمادور نویدی
۲۶ سپتمبر ۲۰۲۴



جمال کنج

اسطوره‌های صهیونیستی (۳)

اختراع سمبول‌های ملی اسرائیل



سیاست‌مدار راست افراطی اسرائیلی، می گولان (May Golan) در راهپیمایی پرچم در اورشلیم) در سال ۲۰۲۱،

(تصویر از آدی هودیفی (Adi Hodefi)) از طریق ویکی میدیای عوام)

افسانه‌های صهیونیستی: اختراع نمادهای ملی اسرائیل

نمود یک میراث ملی معتبر اسرائیلی، صهیونیسم سیاسی را ملزم کرد که به منظور ایجاد نهادهای ملی، شبکه مغشوشی از نیرنگ و دروغ را اختراع نماید.

چنانچه بهطور اتفاقی از عده ای از افراد خیلی باسواد سؤال شود که شهر اورشلیم را چه کسی تأسیس کرده است، ممکنست برخی‌ها بگویند که نمی‌دانند، اما به احتمال زیاد اکثراً می‌گویند سلطان داوود (King David). به هر حال، ظاهراً که به عنوان شهر داوود مشهور شده است.

این امر نشان‌گر آنست که چگونه اسطوره‌های بدون سؤال، که ناشی از اسناد غیرتاریخی مانند کتاب‌های مذهبی است، می‌تواند روایت‌های تاریخی سفسطه‌آمیزی را رواج دهند.

این مقاله به مطالعه اسطوره‌های عمده صهیونیستی می‌پردازد که در غرب خریدار دارد.

پیشرفت هر ملتی به چندین عامل بستگی دارد: سمبل‌های ملی که عمدتاً بخش مهمی از حافظه ملی را شکل می‌دهد، شامل میراث فرهنگی متفاوت، وابستگی‌ها، سرزمین، ارزش‌ها، آداب و رسوم، سنت‌ها، زبان، و رفتارهای اجتماعی هستند. این ویژگی‌ها به تدریج تکامل یافته و به نسل‌های آینده منتقل شده، پایه و اساس یک ملت را بنا می‌کند.

اما پیشرفت نهاد اسرائیل از مسیری خلاف عرف پیروی می‌کند. جنبش سیاسی صهیونیستی با اشغال سرزمین فلسطین، نخست با دور زدن پروسه طبیعی رشد نسلی و تصاحب موارد گوناگون فرهنگ محلی، از جمله سمبل‌های ملی روی کرد معکوسی در پیش گرفت.

رهبران اسرائیلی جهت نمونه، اغلب ادعا می‌کنند که اورشلیم به مدت ۳۰۰۰ سال پای‌تخت یهودی‌ها بوده است. چنین ادعائی و روایت‌های صهیونیستی در غرب، با ترس آشکار از این‌که مبدا فرد بی‌درنگ به «آنتی سمیتسم» (انگ ضدسامی- ضدیهودی یا یهودستیزی) متهم شود، خواه از روی ناآگاهی باشد و یا از نظر جای‌گاه مذهبی به نبرد فراخوانده نمی‌شود و مورد تردید قرار نمی‌گیرد.

دلیل اصلی شکست تفکر انتقادی در زیر سؤال بردن روایت‌های اسرائیلی، ارباب سازمان‌دهی شده در غرب است.

متعاقباً، در غرب، فقط تعداد کمی واقفند که شهر اورشلیم ۶۰۰۰ سال و خیلی پیش‌تر از این‌که توسط قبایل یهودی بین النهرین اشغال شود، پای‌تخت فلسطین‌های بومی بوده است

حقایق و شواهد تاریخی و باستان‌شناسی به کنعانیان فنیقی (Phoenician Canaanites)، اجداد امروزی فلسطینی‌ها، نخستین زیست‌گاه بشری در اورشلیم، در هزاره چهارم قبل از میلاد مسیح اشاره دارد، و از قبيلة کنعانی، بیوسی‌ها (Jebusites)، به شهر کوچکی در تپه‌ای به نام «اوروشلیم» (Urushalim) نام می‌برد. واژه پورتمانتو (portmanteau)، ترکیبی از دو کلمه «اورو» (uru)، یعنی «تأسیس شده توسط»، و «شلیم» (Shalem)، یعنی خدای گرگ و میش (طلوع و غروب) کنعانی فنیقی است، و در نتیجه اوروشلیم «Urushalim» خوانده شده است.

بنابراین، معروف‌ترین سمبل‌های ملی اسرائیل، اورشلیم، شهر داوود نبوده و نیست. در واقع، اورشلیم ۳۰۰۰ سال پیش از تولد داوود تأسیس گشته، و به خدای طلوع و غروب کنعانی، شلیم (Shalem)، و نه به خدای آبراهام (Avraham's Elohim) تقدیم شده است. اسرائیل و صهیونیسم با اتخاذ تغییری در فرهنگ لغات کنعانی، شهر را یروشالایم (Yerushaláyim) نام‌گذاری کردند که به پیوند عبری (Hebrew) اشاره دارد.

صهیونیست با اختراع سمبل‌های ملی به‌گونه‌ای شایع شده است که من هم، زمانی به دام این تصور غلط افتاده، و به‌غلط باور کرده بودم که «اوروشلیم» (Urushalim) یک سرچشمه عبری دارد.

به‌خاطر می‌آورم که کشیش مسیحی در لبنان، اورشلیم (Jerusalem) را به‌جای نام عربی «القدس» (Al Quds)، «اوروشلیم» (Urushalim) خواند. در آن‌زمان، متوجه نشدم که کشیش از نام اصلی کنعانی استفاده می‌کرد، و به ما

خاطر نشان می‌کرد که صهیونیست‌های مدرن، نام شهر «اوروشلیم» (Urushalim) را از زمانی که در قرن ۱۰م پیش از میلاد و دوباره در قرن ۲۰م پس از میلاد اشغال شده، اقتباس کرده اند.

مضاف بر این ادعای دروغ تاریخی، اوروشلیم به‌عنوان «پایتخت ابدی» اسرائیل، یکی دیگر از به‌اصطلاح سمبل‌های ملی نمادینی که فریبکارانه، صرفاً «یهودی» توصیف شده است، ستاره شش‌وجهی (hexagram) روی پرچم اسرائیل است. خلاف باور عوام، سرچشمه ستاره شش‌وجهی روی پرچم اسرائیل، صرفاً سمبلی یهودی نیست. پیش از پیوند آن با یهودیت در اروپای شرقی قرن ۱۷م، و نخستین استفاده یهودی‌ها از آن، این سمبل از ادبیات عربی قرون وسطی و از کابالیست‌ها (Kabbalists) به ارث رسیده است، که با حک ستاره شش‌وجهی بر روی سنگ‌های گران‌بها، برای ضدچشم‌زخم (طلسم محافظ) و زینت‌آلات استفاده می‌شد.

قرن‌ها پیش از نخستین استفاده رسمی از این سمبل در کنیسه یهودی‌ها، این سمبل نیز در کلیساهای مسیحی به‌عنوان نقشی تزئینی استفاده می‌شد.

تاریخ‌شناس اسرائیلی، شالومو سند (Shlomo Sand) در کتابش «اختراع سرزمین اسرائیل»، شرح می‌دهد که ستاره شش‌وجهی داوود یک سمبول یهودی باستانی نیست، بلکه منشأ آن شبه قاره هند است، جایی که اغلب توسط فرهنگ‌های مذهبی و نظامی مختلف استفاده می‌شد.

در سوریه امروزی هم می‌توان این دو مثلث متساوی‌الاضلاع را در طرح‌های خاتم‌کاری مرورید خیره‌کننده شش‌وجهی، به‌عنوان بخشی از طرح‌های موزائیکی روی صندلی‌ها، میزها و جعبه‌های ساخته شده از چوب گردو مشاهده نمود. قدمت این هنر عالی به هزاران سال پیش و در باستانی‌ترین شهر دائماً مسکونی جهان، یعنی شهر دمشق (Damascus) برمی‌گردد.

«دیوار غربی» (Western Wall)، به‌اصطلاح سمبول دیگری است که اصلاً در تاریخ دارای اهمیت مذهبی نیست. این دیوار بخشی از سازه داخلی نیست و نمی‌تواند قسمتی از ساختمان باشد. بل‌که، دیوار خاکی بیرونی است که از زمین بالاتر از (حرم‌الشریف/ پناهگاه باشکوه) (Haram el Sharif/ Noble Sanctuary) قرار دارد و از امتداد دیوار دفاعی بیرونی حمایت می‌کند که شهر باستانی را احاطه می‌کند و قبل از حضور یهودی‌ها در شهر موجود بوده است. این دیوار تقریباً ۵/۲ مایل طول و ۴۰ فوت ارتفاع دارد که با سنگ‌بندی و استحکامات بین سال‌های ۱۵۳۷ و ۱۵۴۱ تحت سلطان سلیمان اول عثمانی بازسازی شد.

یهودی‌هایی که در فرهنگ فلسطین نوب شده اند، اما به معتقدات مذهبی خود پای‌بند مانده اند، قرن‌ها در جوار مسلمان‌ها و مسیحی‌های فلسطینی در اورشلیم زندگی کرده‌اند.

در سرتاسر تاریخ، پیش از ظهور جنبش مسیحائی غربی و تولد صهیونیسم سیاسی، هیچ‌گونه مدرک تاریخی وجود ندارد تا ثابت کند که دیوار استحکامات غربی، مکانی جهت استفاده نمازگزاران بوده است.

این امر در قرن ۱۷م رخ داد که ضلع غربی دیوار توسط زاهدان مسیحی که می‌خواستند بازگشت مسیح را تسریع کنند، به یک جاذبه مذهبی تبدیل و هدایت شد.

دولت‌های متوالی اسرائیلی در تلاش جهت معتبر ساخت فانتزی‌های خیالی خود، به‌مدت بیش از ۶۰ سال، حفاری‌های زیادی را در زیر حرم‌الشریف (**beneath the Noble Sanctuary**) انجام داده اند. اما تا به حال، هیچ سند باستان‌شناسی پیدا نکرده اند که نشان‌گر مکانی برای انجام مراسم مذهبی یهودی‌ها باشد.

در تاریخ اخیرتر، «هاتیکوا» (Hatikvah)، آهنگ سرود ملی کمترشناخته شده اسرائیل، در واقع متعلق به سرود جنبش جهانی صهیونیستی است که از آهنگ مشهور «ولتاوا» (Vltava) (سرزمینم)، از بدریچ اسمتانا (Bedřich Smetana)، سراینده چک تعدیل شده است.

نبود یک میراث ملی معتبر اسرائیلی، صهیونیسم سیاسی را مجبور به ساخت شبکه پیچیده ای از فریب با تخصیص سمبول‌های ملی و آغشته به حقایق جای‌گزینی کرد که ریشه در گفتمان ملی غرب دارد.

در پروسه کلی، و از طریق جای‌گزین کردن روایات، علائم و اختصارات، و اختراع اسطوره‌های دروغ در رسانه‌های اصلی، واقعیت جدیدی شکل گرفت، یا آن‌گونه که مبلغ نازی، جوزف گوبلز گفت، «دروغی که یک‌بار گفته شد، دروغ می‌ماند، اما دروغی که هزار بار گفته شود، تبدیل به حقیقت می‌شود».

احتمالا این جمله اخیر بتواند چاپلوسی متقابل بین دونالد ترامپ و ورشن عبری وی، بنجامین نتانیاهو را شرح دهد. این سومین مقاله از مجموعه مقالاتی است که به بررسی اسطوره‌های صهیونیستی، تاریخ مصنوعی، و فرهنگ جعلی اسرائیل می‌پردازد.

درباره نویسنده:

جمال کنج (Jamal Kanj)، نویسنده کتاب «کودکان فاجعه»، سفر از یک کمپ پناهندگان فلسطینی به امریکا، و کتاب‌های دیگر است. وی اغلب درباره مشکلات دنیای عرب جهت تفسیرهای گوناگون ملی و بین المللی قلم می‌زند. وی این مقاله را به سایت شرح وقایع به‌ترتیب تاریخ فلسطین (The Palestine Chronicle) ارائه داده است.

<https://www.palestinechronicle.com/writers/jamal-kanj/>

برگرداننده شده از:

Zionist Myths: Israeli Invention of National Symbols

Jamal KanjBy

[/https://www.palestinechronicle.com/zionist-myths-israeli-invention-of-national-symbols](https://www.palestinechronicle.com/zionist-myths-israeli-invention-of-national-symbols)